طلیعه

دولت روحانی و اقتصاد رقابتی

مجید سلیمی‌بروجنی
کارشناس اقتصادی

در چند دهه اخیر همواره این سؤال وجود داشته که چرا نظام اقتصادی با بهره‌مندی از این همه منابع عظیم اقتصاد خدادادی، نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده و شرایط ویژه ژئوپلیتیک، عملکرد مثبتی از خود بر جای نگذاشته است. اقتصاد کشورمان در چهار دهه گذشته به دخالت‌های همیشگی دولتمردان عادت کرده؛ همواره شرایط به گونه‌ای پیش رفته که اکثر خصوصی‌سازی‌ها به سرانجام نرسیده‌اند.

تلاش برای خروج برینگ دولتمردان در حوزه اقتصاد و بنگاه‌ها فقط به این دولت و دولت قبلی محصور نبوده و در بسیاری از موارد، دولتمردان به روش‌های مختلف به دنبال کسب قدرت بیشتر در مدیریت اقتصاد بوده‌اند.

برای بسیاری از دولتمردان، دولت مالک تمام‌وکمال اقتصاد بوده که کاهی به صلاحدید خود، اجازه حضور کم‌رنگ بخش خصوصی در اقتصاد را هم داده است.

پس پرپیراه نیست که بسیاری از کارشناسان در تحلیل وضعیت امروز اقتصاد کشورمان، به یاد واژه «تولدی‌ای» می‌افتند. اما این سؤال وجود دارد که در دنیای مدرن امروزی، چگونه می‌توان انتظار تولد و تولدی‌ای را داشت؟ تاریخ ایران نشان می‌دهد که قدرت پادشاهان به دلیل نبود دستگاه دیوان‌سالاری و ارتش و سپاه منظم به‌شدت محدود بود.

قدرت واقعی وی فراتر از پایتختش نمی‌رفت. در عوض اقتدار وی در سطح ملی اندک بود.

بروز برخی پدیده‌ها همچون حقوق‌های نجومی و تولید بنگاه‌های اقتصادی، می‌تواند نشانه‌های تولدی‌ای باشند. هر وزیری در کابینه، تعدادی بنگاه اقتصادی تحت اختیارش است. نوع رفتار و عملکرد وزیر مربوطه با بنگاه‌ها تقریباً تفاوت چندانی با نوع تعامل تیول‌دار با تیول خود ندارد که در نهایت به شکل دیگری روابطی بین وزرا و مدیران بنگاه‌ها می‌انجامد که شبیه روابط صاحب تیول با تیول‌داران است.

تیول‌داری را از این جهت می‌توان به دولت منسوب کرد که ریشه‌گرفتن این نوع مناسبات عمدتاً تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بوده است.

نبود حق مالکیت در تیول‌داری باعث می‌شود که تیول‌داران هیچ‌گونه احساس مسئولیتی برای محافظت از سرمایه‌های مادی و انسانی تیول تعلق‌گرفته به آنها نداشته باشند و به این نتیجه برسند که با تیمی هرچه زودتر بار خود را ببندند.

چراکه معلوم نیست این حق انتفاع از تیول چه مدت‌زمانی برای آنها داشته باشد.

در تیول‌داری سنتی، گسترش قلمرو دولت جز با توسعه قلمرو سرزمین میسر نبود و به‌همین‌دلیل میل به فتوحات سرزمینی از دیرباز وجود داشت؛ اما در تیول‌داری مدرن نیازی به توسعه سرزمین برای افزایش حجم دولت وجود ندارد؛ چراکه نوع تیول از «قطعات سرزمینی» به «بنگاه‌های اقتصادی» تغییر شکل یافته است.

با توجه به اینکه در تیول‌داری مدرن، این بنگاه‌های اقتصادی دولتی، نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی هستند که به عنوان تیول باعث شکل‌گیری مناسبات تیول‌داری می‌شوند و ازطرف‌دیگر هم تیول‌داران و هم تولمندران به عنوان صاحب تیول در تداوم این مطالبات دخیل هستند، ازهمین‌رو به بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی به چشم رقیب نگریسته می‌شود که می‌تواند تداوم حیات تیول‌داری را تهدید کند. دقیقاً به‌همین‌دلیل فضای کسب‌وکار در اقتصاد ایران به‌شدت در تضاد با شکل‌گیری یک بخش خصوصی قوی است و در این فضا فقط بنگاه‌های اقتصادی دولتی و نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی امکان تنفس دارند.

همه سازه‌هایی که فضای کسب‌وکار را برای رشد و نمو و شکل‌گیری بخش خصوصی نامساعد می‌کند روی دیگر سکه‌ای است که هدف پنهان گسترش تیول‌داری را در دل خود دارد. کنترل دستوری قیمت‌ها، سرکوب مالی در بازار پول به شکل کاهش دستوری نرخ سود، دورخی‌بودن بازار ارز در بیشترِ مقاطع زمانی در سه دهه اخیر، هزاران مجوز برای ایجاد مانع در برابر بخش خصوصی، توقیع نگاه غیردوستانه به بخش خصوصی و همه مقررات‌گذاری‌ها عملاً نقش گونه‌هایی از بازی گردادند که اینک سو باعث حذف بخش خصوصی شده و ازسوی‌دیگر پیشروی بنگاه‌های دولتی برای برکردن خلأ ناشی از حذف بخش خصوصی را به دنبال داشته که نتیجه طبیعی این روند افزایش همان کسترش مناسبات تیول‌داری است.

بخش خصوصی در ایران می‌تواند فعال باشد. بنگاه‌های جدید ایجاد کند و خطوط تولید را راه‌اندازی کند، ولی واقعاً هرکار مالک نسبت بلکه فقط مجموعه‌ای است که با کسب اجازه از دولت در اقتصاد کشور حضور دارد و فعال است. سیاست‌مداران هنوز نتوانسته‌اند خود را راضی کنند که در عمل به کارآفرینان به صرف کاریابی و نوآوری اجازه شراکت در اقتصاد را بدهند.

متأسفانه فاصله از نظام بازار آزاد بسیار زیاد است و در عمل نسبتی با اقتصاد آزاد نداریم؛ ولی خوشبختانه در دو دهه اخیر اندیشه اقتصاد آزاد در کشور ما ریشه دوانده و اقتصاد رقابتی بین اقتصاددانان و حتی احزاب سیاسی و دولت‌ها طرفداران بسیاری پیدا کرده است. از دولت آقای هاشمی به بعد دیگر هیچ دولتی نمی‌تواند بگوید اقتصاد دولتی خوب بوده و اقتصاد خصوصی به اسبت گرچه در عمل و در خصوصی‌سازی‌ها خواهد خوبی را تایید این ادعا دیده نمی‌شود.

علت این موضوع هم کسانی هستند که در بدنه دولت و بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی ذی‌نفع هستند و نمی‌خواهند که وضعیت موجود تغییر کند.

موفق از دید کارشناسان، ناموفق از نظر منتقدان

حامد طیبی

دستاویز اصلی آنها، محقق‌نشدن شعارهای انتخاباتی حسن روحانی است؛ مخافل و رسانه‌های پرتعداد مخالف رئیس‌جمهور همچنان ایمدوارند طراحی چندلایه آنان بالاخره به نتیجه برسد و دراین‌میان، وعده‌های روحانی را هدف گرفته‌اند؛ همان شعارهایی که در ۲۴ خرداد ۹۲، یک چیس نامزد اصولگرا را در موضع انفعال قرار داد و آرای ۱۹میلیون ایرانی را به حساب مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات ریخت؛ شعارهایی که نه‌به‌نتیجه آرمان‌های اصلاحات برای بهبود شرایط کشور، تغییر روندهای تاثیرگذار دوران «حکمرانی خوب» می‌زد تا «ساتریفوژها بچرخند، اما چرخ زندگی مردم هم بچرخد».

حالا مخالفان او می‌گویند که چرخ ساتریفوژها می‌چرخد و نه چرخ زندگی مردم. این را رقیب ناکام انتخاباتی روحانی که بخش عمده خیزان اصولگرا بسیج شد تا او رئیس‌جمهور بازدهم شود، می‌گوید: «امروز بعد این افراد شفاف به مردم بگویند که نگاه ما و توقع ما در این‌باره اشتباه بوده است. برخی دیگر در ابتدا گفته بد به‌گوناهی عمل کرد که چرخ کارخانه‌ها بچرخد، امروز می‌گویند برجام انجام شد تا چرخ تانک نچرخد و جنگ نشود! البته باید همان زمان نیز مشخص می‌شد که نچرخیدن چرخ برخی کارخانه‌ها جقدر با چرخش ساتریفوژهای ما ارتباط داشت، اما امروز باید شفاف‌سازی شود که بعد از برجام، آیا چرخ کارخانه‌ها بهتر می‌چرخد یا نه؟» سعید جلیلی هرچند اخیراً مانند دیگر نامزد بالقوه اصولگرا- بخوانید محمدباقر قالیباف- تلاش‌های خود برای جامه به دولت برداشته است، اما در زمینه سیاست داخلی و فضای اجتماعی، همه آنچه وعده داده است، عملی نشده است. به‌هرحال من معتقدم رئیس‌جمهور با توجه به امکاناتی که در آینده، جریان اصولگرایی شانسی نخواهد داشت. حتی این مسئله از زبان محمدرضا باهنر هم بارها شنیده شده است. اما دراین‌میان اصولگرایان یک حسن بزرگ هم دارند، آنان به معنای واقعی کلمه تشکیلاتی عمل کرده و در استفاده از ظرفیت همه نیروهای خود در هر نهادی که حاضر هستند، قابل‌مقایسه با اصلاح‌طلبی نیستند که در این حوزه. دست‌به‌عصا راه می‌روند، اما حاضرند مدیری ۷۰ساله را به سطوح عالی بفرستند، اما از نیروهای توانمند جوان خود، هیچ بهره‌ای نبرند؛ مسئله‌ای که نارضایتی جدی در بدنه کارکنان دولت و البته تعداد قابل‌توجهی از نیروهای توانمند و جوان متخصص پدید آورده، اما احتمالاً همچنان مورد توجه دولت قرار نخواهد گرفت. اصولگرایان شعار جوان‌گرایی سر نمی‌دهند، اما در عمل، از مدیران استفاده ویژه می‌کنند؛ درست برخلاف شعاری که در دوران انتخابات سال ۹۲ از سوی روحانی سر داده شد که از مدیران جوانی که به دلایل سیاسی در دوران اصولگرایان از ایفای نقش محروم مانده‌اند استفاده خواهد کرد.

بازگشت به استراتژی دوران اصلاحات

این روزها اصولگرایان با شعار معیشت و اشتغال، باز هم به مقابله با دولت برخاسته‌اند با این تفاوت که این‌بار نه سال ۸۳ که سال ۹۵ است و آنان یک دوره هشت‌ساله در هم نهادها و قواها به صورت یکدست، مقدرات کشور را در دست داشتند و شاخص‌هایی منفی بر جای گذاشتند. اصلاح‌طلبان در روزهای تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، این رویکرد اصولگرایان را به شکل جهش‌یافته‌ای پیش بردند. «به قول آقای بیدی، یک نخ را که بکشی، از ۵۰ جا صدا درمی‌آید. از ۵۰ جا!» این بخشی از فیلم تبلیغاتی محمود احمدی‌نژاد بود که به‌صورت زیرنویس پایین تصویر «در مجمع دانشجویان» درج شده بود. آنها تصدی وزارت نفت و طرح‌شدن برخی موضوعات پیرامون تابعیت و ثروت آنها، یکی از اصلی‌ترین مباحث را با چالش مواجه کرد. وزیری‌هامانه به عنوان چهره‌ای توانمند از بدنه نفت، راهی این وزارتخانه شد اما پس از عزل ردوه‌خاهم از این سمت و وداع با ساختمان خیابان طالقانی بود که از دشواری‌های کار و برآورده‌کردن درخواست‌های رئیس دولت پرده برداشت؛ از اینکه باید در این وزارتخانه از شرافت کارکنان برتعداد آن دفاع می‌کرد و یادآور می‌شد که مافیای نفت، موجودی خیالی و خلق‌شده برای حمله به دولت اصلاحات است. احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی خود، افشاگری دیگری را کلید زد و با انتقاد از دانشگاه آزاد یادآور شد که اگر جاسیبه به تغییرات تن در ندهد، «تصمیم اتلاقیه» خواهد گرفت. طرفه اینکه این روند ادامه‌پذیر به‌وسیله جریان اطراف دولت علیه این دانشگاه، تا بعد از سال ۹۴ ادامه یافت و پس از آن اعمال تغییرات در اساسنامه آن در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی. کزینه‌ای دیگر برکسی رییس این دانشگاه تبلیغات شد و آجازه شد تا از قدرت رئیس دولت دفاع کند. بااین‌حال در آن دانشگاه تریبت مدرس در دولت نهم و مورد علاقه رئیس دولت به شمار می‌رفت و براداراتش نیز در زمره حامیان وی قلمبه‌بندی می‌شدند. اما یک سال نگذشت که زمزمه‌های مخالف‌خودی احمدی‌نژاد با این تغییر نیز به تیتر صفحه نخست روزنامه ارگان دولت تبدیل شد و اتهاماتی به رئیس دانشگاه آزاد زده شد. رئیس قوه مجریه همچنین از در سال ۹۱ به منفی ۲/۲ در سال اول، به صفر در سال دوم و کمی بالاتر از آن در سال سوم رسیده است. امسال با توجه به رشد فروش نفت و گشایش‌های نسبی پس از برجام، احتمال رشد چهاردرصدی اقتصاد داده می‌شود. رشد منفی اقتصادی یعنی بهرهمندی ایرانیان از مواهب زندگی. کاهش یافته است. این در حالی است که در زمان مجلس ششم، کشور رشد پنج‌درصدی را تجربه می‌کرد و من و همکارانم، هنگام بررسی سند چشم‌انداز ۲۰ساله و برنامه چهارم توسعه که منطبق بر آن تکارش یافته بود، رشد اقتصادی هشت‌درصدی را کاملاً دست‌رس‌پذیر می‌دیدیم. متأسفانه در هشت سال استقرار دلگرمی نتیجه داد و دهم، این روند به وضعیت نگران‌کننده‌ای تغییر جهت داد. روحانی می‌داند برای اینکه به مسیر توسعه برگردیم، زمان شعار سبزی هست و باید عملگرایی علمی را در دستور کار قرار داد. در سال گذشته، وزارت امور خارجه با عملکرد مطلوب، تلاش کرد وضعیت دشوار سیاست خارجی را سامان دهد و اگر شرایط داخلی بهتر بود، امکان رسیدن به توافق در توان بیشتر می‌داشت به‌هرحال، توافق نامه زنو دوم داشت. اما به هر حال دولت برچرام با زمان کموتاهتری روبه‌رو است. پس از آن می‌توان از اختیار داشته و اقداماتی که می‌توانست انجام دهد تا حد زیادی موفق عمل کرده است.

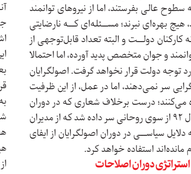

■ می‌توانید کمی دقیق‌تر به انطباق شعارها و عملکردها بپردازید؟

اگر به انتظارات جامعه از دولت جدید با لایه‌ای از واقع‌بینی بنگریم، از عملکرد دولتمردان، نباید شگفت‌زده شویم. دولت دامنه‌ای از ۷۰ درصد حامیان تا ۳۰ درصد مخالف‌خودی دارد؛ مبارزه با مافیای نفت، حذف رانت آقازاده‌ها، کوتاه‌کردن دست مفسدان از بیت‌المال و از همه مهم‌تر ناشناخته‌بودن وی و هماهنگی برای مردم سبب شد بخش‌هایی از جامعه تصور کنند قرار است شرایط بیشرفت جوامع در پرتو آزادی، منزلت انسانی، حقوق بین‌المللی، آزادی‌های مشروع شهروندی و... از جمله است، برسند. در این زمان، یعنی ۶ ماه زودتر، باید تاکید کرد انتخابات ۹۶ حساس‌ها، پیچیدگی‌ها، ظرایف و ویژگی‌هایی خاص دارد. از یک منظر، این انتخابات با مدیریت رئیس‌جمهور مستقر، برگزار می‌شود که خود یکی از نامزدهای بالقوه و بالفعل دوره آینده است و این انتخابات با نوع انتخاباتی که در سال ۹۲ یا ۸۴ یا ۷۶ داشتیم، متفاوت است. طبعاً حامیان رئیس‌جمهور موجبات حضور مجدد ایشان را در حد امکان در جایگاه اجرایی کشور فراهم و از وی حمایت خواهند کرد. مگر اینکه درون سیستم و با توجه به وحدت فرماندهی و تسلط عمیق دولتی بر سکوهای مشابه می‌شود، با ابزار و امکاناتی که به طور وسیع در دسترس مخالفان دولت قرار دارد و هوشیارانه در مسیر حفظ منافع گروهی برای چنین روزی تدارک دیده شده است، تصمیمات خاصی که قدرت خنثی‌سازی در بی‌سیاری دولت‌ها و حاقل هزینه در اختیار طرفداران دولت، ایران به دست آمده است. بیش از حد عامل تاثیرگذار در مسیر تحقق اصولی و سالم آن وجود دارد تا جریان‌ها، گروه‌ها، احزاب، مردم و نامزدهای مستقل بتوانند به تصمیمی منتخب و راهبردی در رابطه با مسئله انتخابات و اهداف اجتماعی آن که اصلاح‌طلبان این روزها تاکید می‌کنند رئیس‌جمهور و وزیران در چند ماه باقی‌مانده تا انتخابات، برای بیان میزان تحقق وعده‌ها و دلایل محقق‌نشدن برخی از آنها فرصت کافی خواهند داشت. «احمد شیرزاد»، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «شرق» به مسیری که روحانی و اصلاح‌طلبان تا انتخابات آینده در پیش دارند اشاره کرده است.

■ یکی ازنکاتی که این روزها ازسوی مخالفان دولت مطرح می‌شود، محقق‌نشدن شعارهای رئیس‌جمهور است. با توجه به اینکه در بسیاری حوزه‌ها، شرایط را نمی‌توان با پایان دولت احمدی‌نژاد مقایسه کرد. چرا اصولگرایان روی این تاکتیک، حساب بازکرده‌اند؟

در گفت‌وگوهای اخیر بارها به این نکته اشاره کرده‌ام؛ اگر دولتی که کاملاً از چهره‌های اصلاح‌طلب تشکیل شده بود و همه پتانسیل‌های مدیریتی به کار آنها افراد برجسته و توانمندی هستند نیز بر سر کار بودند، باز هم این امکان وجود نداشت که موفقیت انتخاباتی برای دولت به دست بیاید. طبعاً در بهترین حالت، حدود ۷۰ درصد توفیق به دست می‌آمد و ۳۰ درصد امور آنگونه که می‌خواستیم پیش نمی‌رفت. دولت یازدهم با وجود شرایط دشواری که در آن به قدرت رسید؛ اما در حوزه سیاست خارجی کارنامه موفقی داشته و در زمینه اقتصاد با توجه به جندانکی تصمیم‌گیران در آن، موفقیت نسبی کسب کرده است؛ اما در زمینه سیاست داخلی و فضای اجتماعی، همه آنچه وعده داده شده بود، عملی نشده است. به‌هرحال من معتقدم رئیس‌جمهور با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد، جریان اصولگرایی شانسی نخواهد داشت. حتی این مسئله از زبان محمدرضا باهنر هم بارها شنیده شده است. اما دراین‌میان اصولگرایان یک حسن بزرگ هم دارند، آنان به معنای واقعی کلمه تشکیلاتی عمل کرده و در استفاده از ظرفیت همه نیروهای خود در هر نهادی که حاضر هستند، قابل‌مقایسه با اصلاح‌طلبی نیستند که در این حوزه. دست‌به‌عصا راه می‌روند، اما حاضرند مدیری ۷۰ساله را به سطوح عالی بفرستند، اما از نیروهای توانمند جوان خود، هیچ بهره‌ای نبرند؛ مسئله‌ای که نارضایتی جدی در بدنه کارکنان دولت و البته تعداد قابل‌توجهی از نیروهای توانمند و جوان متخصص پدید آورده، اما احتمالاً همچنان مورد توجه دولت قرار نخواهد گرفت. اصولگرایان شعار جوان‌گرایی سر نمی‌دهند، اما در عمل، از مدیران استفاده ویژه می‌کنند؛ درست برخلاف شعاری که در دوران انتخابات سال ۹۲ از سوی روحانی سر داده شد که از مدیران جوانی که به دلایل سیاسی در دوران اصولگرایان از ایفای نقش محروم مانده‌اند استفاده خواهد کرد.

بازگشت به استراتژی دوران اصلاحات

این روزها اصولگرایان با شعار معیشت و اشتغال، باز هم به مقابله با دولت برخاسته‌اند با این تفاوت که این‌بار نه سال ۸۳ که سال ۹۵ است و آنان یک دوره هشت‌ساله در هم نهادها و قواها به صورت یکدست، مقدرات کشور را در دست داشتند و شاخص‌هایی منفی بر جای گذاشتند. اصلاح‌طلبان در روزهای تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، این رویکرد اصولگرایان را به شکل جهش‌یافته‌ای پیش بردند. «به قول آقای بیدی، یک نخ را که بکشی، از ۵۰ جا صدا درمی‌آید. از ۵۰ جا!» این بخشی از فیلم تبلیغاتی محمود احمدی‌نژاد بود که به‌صورت زیرنویس پایین تصویر «در مجمع دانشجویان» درج شده بود. آنها تصدی وزارت نفت و طرح‌شدن برخی موضوعات پیرامون تابعیت و ثروت آنها، یکی از اصلی‌ترین مباحث را با چالش مواجه کرد. وزیری‌هامانه به عنوان چهره‌ای توانمند از بدنه نفت، راهی این وزارتخانه شد اما پس از عزل ردوه‌خاهم از این سمت و وداع با ساختمان خیابان طالقانی بود که از دشواری‌های کار و برآورده‌کردن درخواست‌های رئیس دولت پرده برداشت؛ از اینکه باید در این وزارتخانه از شرافت کارکنان برتعداد آن دفاع می‌کرد و یادآور می‌شد که مافیای نفت، موجودی خیالی و خلق‌شده برای حمله به دولت اصلاحات است. احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی خود، افشاگری دیگری را کلید زد و با انتقاد از دانشگاه آزاد یادآور شد که اگر جاسیبه به تغییرات تن در ندهد، «تصمیم اتلاقیه» خواهد گرفت. طرفه اینکه این روند اتهام‌زنی به‌وسیله جریان اطراف دولت علیه این دانشگاه، تا بعد از سال ۹۴ ادامه یافت و پس از اعمال تغییرات در اساسنامه آن در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی. کزینه‌ای دیگر برکسی رییس این دانشگاه تبلیغات شد و آجازه شد تا از قدرت رئیس دولت دفاع کند. بااین‌حال در آن دانشگاه تریبت مدرس در دولت نهم و مورد علاقه رئیس دولت به شمار می‌رفت و براداراتش نیز در زمره حامیان وی قلمبه‌بندی می‌شدند. اما یک سال نگذشت که زمزمه‌های مخالف‌خودی احمدی‌نژاد با این تغییر نیز به تیتر صفحه نخست روزنامه ارگان دولت تبدیل شد و اتهاماتی به رئیس دانشگاه آزاد زده شد.

عکس: صدیقیم

گزارش تحلیلی «شرق» از تحقق شعارهای روحانی که در انتخابات بیان شد

روحانی با مردم سخن خواهد گفت

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»

■ به نظرمی‌رسد اصولگرایان روی تاامیدکردن مردم از روحانی در ۶ ماه مانده تا انتخابات حساب جدی باز کرده باشند.

توقع مردم از دولت برای یک سال آینده، بالاست. به‌هرحال سه سال گذشته و دوران انتقالی سپری شده است. مردم به‌خوبی، محدودیت‌های این شرایط را درک می‌کنند اما برای یک سال آینده، اعضای دولت حتما متوجه توقعات مردم هستند. به نظر می‌رسد حالا که در سیاست خارجی تحول رخ داده، برای فعالیت بهتر مدیران باید این کار انجام شود. بسیاری از آنان باید قابلیت‌های خود در قانع‌کردن دنیا برای تضمین سرمایه‌گذاری در ایران بلد باشند. کشور بیش از این نیازمند استفاده از مدیران کارآمد است و تندروها بهتر است دست از مخالفت با این روند بردارند. برخی میدان ممکن است باب طرح فعلی از اصولگرایان فعلی نباشند اما برای استفاده بهینه از ظرفیت کشور باید همه باید با اجرای طرح تحول نظام سلامت، رویکرد تصمیمات خود را با اقتدار اتخاذ کند و در راستای وعده‌ای که به مردم داده است و هماهنگ با نهادهای قانونی با جمعه‌هایی که این روزها تدارک دیده شده است، صحنه را ترک نکند. اگر رئیس‌جمهور است و می‌تواند انجام دهد. مخالفان می‌توانند انجام دهد. درمان‌گذاشتن مسائل با مردم بسیار مهم است و اگر سکوی جلوی پای او اندازه‌اند، انتظار این است که قاطعانه آن را با مردم در میان بگذارد چراکه تجربه نشان داده است سکوت درباره برخی مسائل، تنیجه‌بخش نخواهد بود. رئیس‌جمهور منتخب با شعار اصلاحات رادیکال و با شعار اعتدال پیروز انتخابات است؛ بنابراین کابینه وی نیز باید با این شعارها هماهنگ باشد؛ در غیراین‌صورت رئیس‌جمهور فقط یک مقام خواهد بود و سایر بخش‌ها همانند گذشته به کار خود ادامه خواهند داد.

■ به نظر شما دولت در به‌کارگیری نیروهای توانمند با توضیح اقدامات خود در قبلی با آنچه تحویل گرفت، با چه مشکلاتی مواجه است؟

بر اثر فضای مسمومی که همان طیف خاص در کشور ایجاد کرده است، ایران از به‌کارگیری بخش درخورتوجهی از نیروهای شاخص و توانای اجرایی خود به‌ویژه در مدیریت میانی محروم شده است. امروز وقتی یک رئیس دانشگاه قرار است انتخاب شود، با وجود اینکه شخصیت‌های متعدد محبوب و دارای صبغه اجرایی در آن دانشگاه حاضر هستند، اما متأسفانه انتخاب به تعدادی کم محدود می‌شود. همه‌جا به همین صورت است. این مدیران و استادان توانمند اما با خشونت، توانمند و کراهت، از کسانی که فعلا قصد فعال‌بودن برای آن مهیاست، حمایت می‌کنند اما امر بر افرادی که فعلا فعال برای آن مهیاست، مشتبه می‌شود که آنان بهترین هستند. به‌هرحال دولت با این دو پدیده مواجه است و در حوزه اطلاع‌رسانی نیز سخنانی که در سال ۸۸ احمدی‌نژاد انجام داد تخیم کاشت را در دل‌ها پاشید. هنوز هم آن تخم کینه‌ها در دل‌ها هست. مصاحبه‌هایی که دربراره آقایان ناطق و هاشمی انجام گرفت و این در حالی بود که این افراد اساسا طرف قضیه نبودند. این مصاحبه‌ها باید که اختلافات را تشدید کرده. نتیجه محتوم این موضع‌گیری‌های یک باه و دو هوا، تشدید بی‌اعتمادی جامعه به جریانی است که در سال‌های اخیر حاضر نشد، روش‌های نادرست رئیس دولت را مورد نقد قرار دهد و به سبب آنکه روش او را سبب حذف رقبای سال‌های دور و نزدیک خودشان می‌دیدند. هم سکوت بر لب نهادند، و اینجا فضای اتهام شکل می‌گیرد. متأسفانه در کشور در کلام مسئولان اندک دولت و البته سایت‌های پرشمار جریان آنها به نظاره نشستند. درعین‌حال این انتظار نیز وجود داشت که اتهامزنی بی‌سند از سوی هرجرمای در هر مقامی، درصورتی‌که سندی درخصوص آن به دستگاه قضایی ارائه نشود با پیگرد لازم مواجه شود. اما سال ۸۸ دیده شد. در آن مقطع جعفرهایی مورد اتهام قرار گرفتند که کاهی در اردوگاه اصلاح‌طلبان و منتقدان روش‌های رئیس دولت طبقه‌بندی نمی‌شدند بلکه در مجموعه اسامی رئیس دولت جای داشتند. سکوت جریان اصولگرا در مقابل همه این روش‌های خاص رئیس دولت و نفی تلاش‌های دولت‌های گذشته، حتی در مقطع مناظره‌ها نیز اتهام بافت و سبب شد علی‌اکبر ناطق‌نوری برای همیشه قهرمان کشور، رئیس جامعه روحانیت مبارز را بزند که اینکه هیچ‌یک از اعضای این تشکل وسایل تشکل‌های جناح محافظه‌کار حاضر نشدند به رئیس دولت یادآور شوند که این اتهامات، نیازمند اثبات در مراجع قانونی است. محمد تقی رهبر، رئیس فراکسیون روحانیون مجلس هشتم که این روزها اصلاح‌طلبان او را به جامعه ملاحظات و خطوط قرمز ولزاقرمزن، اهمیت دوچندان دارد، اما این در طبیعت تخصص اهالی رسانه‌ای است که خودشان با دهها مشکل سخت معیشتی و صنفی درگیر هستند و کمکی هم از سوی دولت و معاونت مطبوعاتی در سه سال گذشته به آنان نشده است. به‌هرحال فرصت و زمان انتخابات، شرایط متفاوت‌ها و روبه اتخاذ قبلی رقبا و مباحث موجود به ساختار نظام سیاسی، ازجمله عواملی شعارها هماهنگ باشد؛ در غیراین‌صورت رئیس‌جمهور فقط یک مقام خواهد بود و سایر بخش‌ها همانند گذشته به کار خود ادامه خواهند داد.

■ به نظر شما دولت در به‌کارگیری نیروهای توانمند با توضیح اقدامات خود در قبلی با آنچه تحویل گرفت، با چه مشکلاتی مواجه است؟

بر اثر فضای مسمومی که همان طیف خاص در کشور ایجاد کرده است، ایران از به‌کارگیری بخش درخورتوجهی از نیروهای شاخص و توانای اجرایی خود به‌ویژه در مدیریت میانی محروم شده است. امروز وقتی یک رئیس دانشگاه قرار است انتخاب شود، با وجود اینکه شخصیت‌های متعدد محبوب و دارای صبغه اجرایی در آن دانشگاه حاضر هستند، اما متأسفانه انتخاب به تعدادی کم محدود می‌شود. همه‌جا به همین صورت است. این مدیران و استادان توانمند اما با خشونت، توانمند و کراهت، از کسانی که فعلا قصد فعال‌بودن برای آن مهیاست، حمایت می‌کنند اما امر بر افرادی که فعلا فعال برای آن مهیاست، مشتبه می‌شود که آنان بهترین هستند. به‌هرحال دولت با این دو پدیده مواجه است و در حوزه اطلاع‌رسانی نیز سخنانی که در سال ۸۸ احمدی‌نژاد انجام داد تخیم کاشت را در دل‌ها پاشید. هنوز هم آن تخم کینه‌ها در دل‌ها هست. مصاحبه‌هایی که دربراره آقایان ناطق و هاشمی انجام گرفت و این در حالی بود که این افراد اساسا طرف قضیه نبودند. این مصاحبه‌ها باید که اختلافات را تشدید کرده. نتیجه محتوم این موضع‌گیری‌های یک باه و دو هوا، تشدید بی‌اعتمادی جامعه به جریانی است که در سال‌های اخیر حاضر نشد، روش‌های نادرست رئیس دولت را مورد نقد قرار دهد و به سبب آنکه روش او را سبب حذف رقبای سال‌های دور و نزدیک خودشان می‌دیدند. هم سکوت بر لب نهادند، و اینجا فضای اتهام شکل می‌گیرد. متأسفانه در کشور در کلام مسئولان اندک دولت و البته سایت‌های پرشمار جریان آنها به نظاره نشستند. درعین‌حال این انتظار نیز وجود داشت که اتهامزنی بی‌سند از سوی هرجرمای در هر مقامی، درصورتی‌که سندی درخصوص آن به دستگاه قضایی ارائه نشود با پیگرد لازم مواجه شود. اما شعارها هماهنگ باشد؛ در غیراین‌صورت رئیس‌جمهور فقط یک مقام خواهد بود و سایر بخش‌ها همانند گذشته به کار خود ادامه خواهند داد.

■ به نظر شما دولت در به‌کارگیری نیروهای توانمند با توضیح اقدامات خود در قبلی با آنچه تحویل گرفت، با چه مشکلاتی مواجه است؟

بر اثر فضای مسمومی که همان طیف خاص در کشور ایجاد کرده است، ایران از به‌کارگیری بخش درخورتوجهی از نیروهای شاخص و توانای اجرایی خود به‌ویژه در مدیریت میانی محروم شده است. امروز وقتی یک رئیس دانشگاه قرار است انتخاب شود، با وجود اینکه شخصیت‌های متعدد محبوب و دارای صبغه اجرایی در آن دانشگاه حاضر هستند، اما متأسفانه انتخاب به تعدادی کم محدود می‌شود. همه‌جا به همین صورت است. این مدیران و استادان توانمند اما با خشونت، توانمند و کراهت، از کسانی که فعلا قصد فعال‌بودن برای آن مهیاست، حمایت می‌کنند اما امر بر افرادی که فعلا فعال برای آن مهیاست، مشتبه می‌شود که آنان بهترین هستند. به‌هرحال دولت با این دو پدیده مواجه است و در حوزه اطلاع‌رسانی نیز سخنانی که در سال ۸۸ احمدی‌نژاد انجام داد تخیم کاشت را در دل‌ها پاشید. هنوز هم آن تخم کینه‌ها در دل‌ها هست. مصاحبه‌هایی که دربراره آقایان ناطق و هاشمی انجام گرفت و این در حالی بود که این افراد اساسا طرف قضیه نبودند. این مصاحبه‌ها باید که اختلافات را تشدید کرده. نتیجه محتوم این موضع‌گیری‌های یک باه و دو هوا، تشدید بی‌اعتمادی جامعه به جریانی است که در سال‌های اخیر حاضر نشد، روش‌های نادرست رئیس دولت را مورد نقد قرار دهد و به سبب آنکه روش او را سبب حذف رقبای سال‌های دور و نزدیک خودشان می‌دیدند. هم سکوت بر لب نهادند، و اینجا فضای اتهام شکل می‌گیرد. متأسفانه در کشور در کلام مسئولان اندک دولت و البته سایت‌های پرشمار جریان آنها به نظاره نشستند. درعین‌حال این انتظار نیز وجود داشت که اتهامزنی بی‌سند از سوی هرجرمای در هر مقامی، درصورتی‌که سندی درخصوص آن به دستگاه قضایی ارائه نشود با پیگرد لازم مواجه شود. اما شعارها هماهنگ باشد؛ در غیراین‌صورت رئیس‌جمهور فقط یک مقام خواهد بود و سایر بخش‌ها همانند گذشته به کار خود ادامه خواهند داد.

■ به نظر شما دولت در به‌کارگیری نیروهای توانمند با توضیح اقدامات خود در قبلی با آنچه تحویل گرفت، با چه مشکلاتی مواجه است؟

بر اثر فضای مسمومی که همان طیف خاص در کشور ایجاد کرده است، ایران از به‌کارگیری بخش درخورتوجهی از نیروهای شاخص و توانای اجرایی خود به‌ویژه در مدیریت میانی محروم شده است. امروز وقتی یک رئیس دانشگاه قرار است انتخاب شود، با وجود اینکه شخصیت‌های متعدد محبوب و دارای صبغه اجرایی در آن دانشگاه حاضر هستند، اما متأسفانه انتخاب به تعدادی کم محدود می‌شود. همه‌جا به همین صورت است. این مدیران و استادان توانمند اما با خشونت، توانمند و کراهت، از کسانی که فعلا قصد فعال‌بودن برای آن مهیاست، حمایت می‌کنند اما امر بر افرادی که فعلا فعال برای آن مهیاست، مشتبه می‌شود که آنان بهترین هستند. به‌هرحال دولت با این دو پدیده مواجه است و در حوزه اطلاع‌رسانی نیز سخنانی که در سال ۸۸ احمدی‌نژاد انجام داد تخیم کاشت را در دل‌ها پاشید. هنوز هم آن تخم کینه‌ها در دل‌ها هست. مصاحبه‌هایی که دربراره آقایان ناطق و هاشمی انجام گرفت و این در حالی بود که این افراد اساسا طرف قضیه نبودند. این مصاحبه‌ها باید که اختلافات را تشدید کرده. نتیجه محتوم این موضع‌گیری‌های یک باه و دو هوا، تشدید بی‌اعتمادی جامعه به جریانی است که در سال‌های اخیر حاضر نشد، روش‌های نادرست رئیس دولت را مورد نقد قرار دهد و به سبب آنکه روش او را سبب حذف رقبای سال‌های دور و نزدیک خودشان می‌دیدند. هم سکوت بر لب نهادند، و اینجا فضای اتهام شکل می‌گیرد. متأسفانه در کشور در کلام مسئولان اندک دولت و البته سایت‌های پرشمار جریان آنها به نظاره نشستند. درعین‌حال این انتظار نیز وجود داشت که اته